

# ناعقین و مدّعیین

حضرت بهاء الله

اصلی فارسی



لوح رقم (172) امر و خلق - جلد 4

## ۱۷۲ - ناعقین و مدّعیین

و نیز درباره مدّعیان کذب خبر دادند قوله الاعلی: " سوف یرتفع النّعاق من اکثر البلدان اجتنبوا یا قوم و لا تتبعوا کلّ فاجر لئیم هذا ما اخبرناکم اذ کُنّا فی العراق و فی ارض السّرّ و فی هذا المنظر المنیر "

و قوله الاعلی: " سوف تسمعون من الدیار نداءً کما اخبرنا به من قبل اذا تجنّبوا و تمسکوا بهذا الذّیل المنیر "

و قوله الاعلی: " سوف تسمعون النداء من الذّین ارادوا ان یضلّوا العباد ایّاکم ان تتبعوا کلّ عجلٍ بعید فسوف ترون من یدعی فی نفسه امرأ الا انه من الکافرین "

و این آیه از کتاب اقدس قوله المبین: " الذّی یتکلّم بغير ما نزل فی الواحی انه لیس منی ایّاکم ان تتبعوا کلّ مدّعی ائیم " معنی ناعق و مدّعی را بیان مینماید

و در لوحی است قوله الاعلی: " در ارض زوراء از قلم اعلی این کلمهء علیا جاری و نازل: " سوف یرتفع النّعاق من اکثر البلدان " وعدهء الهی ظاهر شد و ناعقین در اطراف متحرک باسم حق خود را حفظ نما " و در اثری از خادم است قوله: " این ناعقین دو قسمند قسمی در اول ادّعیای ایمان نمایند و بعد بکمال اعراض قیام کنند و قسمی بدعوی برخیزند و بغير ما اذن الله تکلم نمایند و این خبرهائی است که از قلم اعلی جاری شده و البتّه واقع خواهد شد "



ORIGINAL

و نیز در اثری مفصل از خادِم است: "قد تمسک هذا الكليل العليل باسم الله الناطق الشافي الجليل الحمد لله الذي توحد بسطان وحدانيته وتفرد بمليک فردانيته الذي كان مقدساً عن اعلی ذکر الكائنات ومنزهاً عن ابيه وصف الممکات و متعالياً عن کل ساذج ذکر و جوهر وصف قد اقر المقربون بالقصور عما ينبغی لسلطانه و اعترف المخلصون بالعجز عما يليق لبساط عزه لم يزل كان فرداً واحداً و لا يزال يكون بمثل ما قد كان قد بنى بمشيئته النافذة بيت امره على أسس البيان و اسطقس التبيان و خلق له حفاظاً و حراساً ليحفظوه عن كل خائن غافل و متكلم جاهل و هم الذين لا يتجاوزون عما انزله الله في الكتاب و لا يتكلمون الا بما اذن لهم في المآب اشهد انهم ايدى امره في الوری و مصابيح هدايته بين الارض و الثرى و هم القائمون لدى بابه و يطردون من لم يكن اهلاً للدخول الى فنائه لا اله الا الحاكم الامر العليم .... ثم اسألك يا فلق الاصبح و مرسل الرياح بأن تعرف بعض احبائك مقامهم و شأنهم لئلا يتجاوزون عما حدّد في كتابك و قدّر في الواحك و يعرفن انفسهم و يتكلمن بما ينبغی لهم ثم ارزقهم حلاوة كأس العبودية في سبيلك و لذة الافتقار عند ظهور غنائك و العجز عند بروز اقتدارك و عزّتک يا الهی لو شربوا هذا الرحيق لیتمسکوا بحبل عبوديتک .... نفسی لاستقامتکم الفداء مراسله ان حضرت که بنام نامی اسم الله مهدی علیه من کل بهاء ابهه بود این بنده فانی زیارت آن فائز از جهتی سرور بی اندازه دست داد چه که نفعه محبت محبوب عالمیان از او ساطع بود و همچنین حزن لا نهاییه چه که مشاهده شد که بعضی احبای الهی بکلماتی تکلم مینمایند که این کلمات بنفسها سبب توقف ظهور نصرت است و علت اختلاف خلق فی الحقیقه سبب تضییع امر الله فیما سواه الیوم باید نفسی که خود را بحق نسبت میدهند بنار کلهه الهیه مشتعل باشند و به بیاناتی بین خلق ناطق گردند که سبب انجذاب قلوب و افتده ناس گردد تا کل از نور بیان و نار محبت رحمن بافق ایقان توجه نمایند نه آنکه بکلماتی تکلم کنند که سبب انحامد نفوس و اضطراب قلوب گردد از بیانات لا یسمنه لا یغنیه که بعضی من غیر شعور بآن تکلم می نمایند تکلیف از برای احدی باقی نماند قسم بآفتاب افق معانی که اگر احبای الهی بآنچه از قلم اعلی جاری شده عامل میشدند یا کل بافق ابهی توجه مینمودند یا به نیران راجع می گشتند عجب است که بعضی که خود را در هوای عرفان طائر میدانند هنوز بظاهر کلمات الهیه فائز نشده بلکه بوی آنرا استنشاق نکرده اند مثلاً حین ورود رضوان میفرمایند قوله جلّ و عزّ: انا تجلینا علی کلّ الأشياء بكلّ الاسماء مقصود از این کلهه مبارکه آنکه کلّ اشیاء الیوم بتجلی مولی الاسماء فائز شدند و امثال این بیان و فوق آن در زبر و صحف و کتب الهی نازل و معانی و مقصود از آن بلسان پارسی و عربی در الواح عدیده از قلم امر بیان شده طوبی لمن عرف مراد الله و تمسک به منقطعاً عن کلّ ناعق لا یشعر ما یقول و ناهق لا یفقه ما قال بعد از خرق حجاب و سبحات و کسر اصنام و اوهام تازه بکلمات عتیقه ناطق شده اند وقتی از اوقات در ساحت اقدس این عبد حاضر و توجه الی وجه المحبوب و پیارسی فرمودند وقتی باسم صید توجه به بعضی اراضی نمودیم تا به محلی رسیدیم ملاحظه شد درویشی غذائی ترتیب میداد از او پرسیدیم چه میکنی مذکور داشت خدا می پزم با خدا می پزم از برای خدا می پزم مشاهده شد که آن مسکین چقدر از شریعه رب العالمین دور است و بعد توقف نمودیم و بکمال شفقت و نصیحت با او تکلم نمودیم تا آنکه اشعه آفتاب حقیقت از افق قلبش ظاهر و مشرق شد بمعذرت قیام نمود و او یک رفیقی داشت برهنه ما بین ناس

مشی مینمود و بهمان کلمات ناطق و هر دو بانوار فجر معانی فائز شدند بقسمی که یوم بعد با پاهای برهنه در رکاب میدویدند مع آنکه آن ارض خارستان بود و آنچه گفته شد که سوار شوند قبول نمودند از حق جلّ و عزّ می طلبیم که احبّای خود را از شرّ بیانات مضرّه حفظ فرماید تا کلّ بما اذن الله ناطق گردند و بخدمت امرش مشغول شوند در کتاب اقدس و اکثری از الواح تکلیف احبّای خود را بآیات واضحّه و براهین کامله فرمودند قوله عزّ کبریائه : من يدعی امرأ قبل اتمام الف سنة كاملة انه کذاب مفتر نسأل الله بأن يؤیّده علی الرجوع ان تاب انه لهو التّواب و ان اصرّ علی ما قال یبعث علیه من لا یرحمه الله شدید العقاب من یاوّل هذه الآیة او یفسرّها بغیر ما نزل فی الظّاهر انه محروم من روح الله و رحمته الّتی سبقت العالمین خافوا الله و لا تتّبّعوا ما عندکم من الاوهام ان اتّبّعوا ما یأمركم به ربکم العزیز العلیم سوف یرتفع النّعاق من اکثر البلدان ان اجتنبوا یا قوم و لا تتّبّعوا کلّ فاجر لئیم هذا ما اخبرناکم به اذ کنا فی العراق و فی ارض السّر و فی هذا المنظر المنیر انتهى ..... و بعضی از نفوس مشاهده میشوند که بذکر حق مشغولند و بکمال ما یمکن فی الابداع به ثنای حق ناطق و ذا کردند و لکن همان ذکر و ثنا را دام ناس قرار داده و میدهند و بعد از آنکه قلوب ضعفا را صید نمودند متمسک به بعضی از آیات الهیه از پارسی و عربی که از سماء مشیت نازل شده میشوند و آن آیات را بهوای خود معنی مینمایند و بآن از برای خود شناسائی ثابت میکنند و سبب اضلال و اختلاف ناس میگردند الیوم اگر نفسی به جمیع اسماء حسنی نامیده شده باشد و بغیر عبودیت صرفه بکله ای نطق نماید لدی الحقّ از اهل خسران محسوب است آیات تفکر ننمائید که اگر هر روز حقی ظاهر شود جمیع احکام الهیه و اوامر ربّانیّه معطل و معوق خواهد ماند .... هر روز ندائی مرتفع است و وضوئائی بر پا در سنه قبل دو نفس مجهول در رشت ظاهر شدند و ادعای حقیّت نمودند و جمعی از احبّاء که از اصل امر اطلاع نداشتند حول آندو نفس جمع شدند و سبب اختلاف گشتند تا آنکه عریضه بساحت اقدس آمد بعد از صدور جواب بافق اعلی راجع گشتند قد غفرهم الله فضلاً من عنده انه لهو الغفور الکریم .... الیوم اگر نفسی از احبّاء بکله ای که مخالف و مغایر رضای الهی باشد تکلم نماید باید اهل بها او را نصیحت نمایند شاید بنصایح مشفقّه متنبّه شود و الا لیس لأحدٍ أن یتقرّب الیه هذا ما حکم ربنا العلیم فی کتابه العظیم "

و نیز از حضرت بهاء الله درباره بیت اعظم بغداد است قوله الاعلی : " و اذکر ما نزل فی ارض السّر فی السنّه الاولى لبعثنا المهدی و اخبرناه به فی ما یرد علی البیت من بعد لئلا یحزنه ما ورد من قبل من الّذی اعتدی و سرّق و عند ربک علم السّموات و الارضین قلنا و قولنا الحقّ ثمّ اعلم بأن لیس هذا اول وهن نزل علی بیتی و قد نزل من قبل بما اکتسبت ایدی الظّالمین و سینزل علیه من الذلّة ما تجری به الدّموع من کلّ بصر بصیر کذلک القیناک بما هو المستور فی حجب الغیب و ما اطّلع به احد الا الله العزیز الحمید ثمّ تمضی ایام یرفعه الله بالحقّ و یجعله علماً فی الملک بحیث یطوف فی حوله ملاً العارفین هذا قول ربک من قبل أن یاتی یوم الفرع قد اخبرناک به فی هذا اللّوح لئلا یحزنک ما ورد علی البیت بما اکتسبت ایدی المعتدین "